

مدیریت و تحلیل گفتمان پایداری اشعار مهرداد اوستا در شعر و ادبیات فارسی

مریم بوربوری

دانشجوی ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد گرمسار

boorboor1372@gmail.com

چکیده

مهرداد اوستا با هدف مشروعیت زدایی در الگوی گفتمان پایداری تالش کرده تا گفتمان استعالی عصر پایداری در مقابل نظام معنایی و کنشگران را به تصویر بکشد. با توجه به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای گفتمان الکو و موفه به بررسی گفتمان پایداری در دیوان «اما» مهرداد اوستا میپردازیم؛ با توجه به این روش متوجه شدیم که 4 خورده گفتمان موجود در اشعار اوستا عبارتند از: گفتمان سیاسی-اجتماعی، آیینی-مدحی، مدیحه‌های اعتقادی-مذهبی و عاشقانه. نظریه گفتمان اگرچه نو و بدیع است اما چند نقد را به خود اختصاص داده است که به دو دسته مفروضات فلسفه‌ای که به مبنای مقوله گفتمانند و مفاهیم و استدلال‌های اساسی‌ای که برای تحلیل فرآیندهای سیاسی و اجتماعی گسترش پیدا کرده است که توضیح این نقدها از حوصله این پژوهش خارج است و نگارنده بدون وارد شدن به این بحث وارد بحث اصلی پژوهش می‌شود. واژه گفتمان به معنای برابر واژه DISCOURSE، توسط داریوش آشوری بر ساخته شده است. گفتمان همسنگ با واژگانی مانند: «مراوده»، «مکالمه»، «سخن»، «مقال»، «سخنرانی»، «نطق»، و «گفتار و سخن» است.

واژگان کلیدی: مهرداد اوستا، ادبیات پایداری، لاکلاو و موفه، گفتمان پایداری

مقدمه

تحلیل گفتمان در واقع مجموعه‌ای از رویکردهای میان رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعات و مرزهای اجتماعی مختلف استفاده کرد. رویکرد گفتمان یا تحلیل گفتمان یک تحلیل اجتماعی است که باعث می‌شود تا جهان‌بینی به وجود بیاید. تحلیل گفتمان در واقع یعنی عدم تکامل پدیده‌های جهان و عدم تثبیت معنا و همین موضوع راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی برای تعاریف جامعه و هویت باز نگه می‌دارد. در واقع می‌توان گفت گفتمان می‌کوشد نشانه‌ها از جایگاهشان نسبت به یکدیگر نلغزند و نظام معنایی جدیدی خلق کنند.

گفتمان:

گفتمان در زمینه‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. در یکی از تعاریف آمده به معنای مجموعه یا دستگاهی بینشی است که از راه واژگان و گفتار نهادینه شده، بر ذهنیت‌ها مؤثر است و حتی گاهی بر آگاهی تاریخی یک دوره نیز اشاره می‌کند. می‌توان گفت گفتمان پرداختن مفصل یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است برای به وجود آوردن معنا و مفهوم. گفتمان با جنبه فاعلی زبان سروکار دارد که روایتگر، باگذر از واژه‌های یک زبان و ارتباط میان‌شان، می‌تواند به جهت و گرایش خود پیش برود که این اتفاق گاه آگاهانه و گاه ناآگاهانه است. این اصطلاح از دهه 60 میلادی در علوم انسانی، هنر و ادبیات به کار رفت و محدوده آن تقریباً محدود به نوشتار بود و کمی هم به شیوه بیان (STYLE). (گفتمان‌ها بر ایدئولوژی، یعنی مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های متعلق به گروه‌های اجتماعی مشخص، استوار هستند) فالورد، سون، 1397: 5). تحلیل گفتمان شامل تحلیل دقیق متن است یعنی هم تحلیل زبانی (دستوری، معنایی، کاربردشناختی، ژانری) و هم تحلیل بیناگفتمانی مفصل‌بندی‌های دوره. گفتمان تحت تأثیر موقعیتش در مزایده حل مسأله سیاسی است، اما گفتمان نیز بر طیف وسیعی از احتمالات در مراحل بعدی تصمیم‌گیری، کنش و تغییر اثر می‌گذارد، مانند محدود کردن مجدد توانایی آن به گسترش از طریق روابط دیالکتیک هم از درون گفتمان و هم میان گفتمان و مراحل دیگر. (فرکالف، 1379: 9). تحلیل گفتمان (ANALYSIS DISCOURSE) در زبان فارسی به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام»، و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده در واقع یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که اواسط دهه 1960 تا اواسط دهه 1970 در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی مانند انسان‌شناسی، شعر، معانی و بیان و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرد. (همان: 7). تمامی رویکردهای تحلیل گفتمان از آراء فوکو ریشه گرفته اند حتی آنجا که مخالف بخش‌هایی از نظرات او هستند. (یورگنسن و فیلیپس، 1389: 35). (فوکو گفتمان را اینگونه تعریف میکند: «در صورتی به مجموعه‌ای از گزاره‌ها گفتمان خواهیم گفت که به یک فرمایشون (صورتبندی) گفتمانی تعلق داشته باشد. گفتمان‌ها متشکل از تعداد محدودی از گزاره‌هاست که بتوان گروهی از شرایط لازم برای وجود آن را تعریف کرد. گفتمان در این معنا یک صورت مثالی و بی‌زمان نیست. گفتمان از ابتدا تا به انتها تاریخی است_پارهای از تاریخ است که محدودیت‌ها، تقسیم‌بندی‌ها، تحولات و صورت‌های خاص زمانمند خود را تکمیل می‌کنند)

117: 1972 "FOUCAULT"، نقطه شروع نظریه گفتمان این است که هیچ گفتمانی نمی تواند به طور کامل مستقر شود، هر گفتمان همواره در کشمکش با سایر گفتمان‌هایی است که واقعیت را به گونه ای دیگر تعریف می کند و دستورالعمل‌هایی متفاوت برای کنش های اجتماعی تدوین می کند. به نظر وی گفتمان تلاقی و گردهمایی قدرت و دانش است. هر رشته خاص از دانش در هر دوره خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین ایجابی و سلبی را دارد که مشخص می کند درباره چه چیزهایی می توان بحث کرد و درباره چه چیزهایی نمی توان صحبت کرد که همین قواعد نانوشته گفتمان خاص در آن دوره تاریخی خاص به حساب می آیند. تحلیل گفتمان معمولاً یکی از زیرشاخه های علم زبانشناسی به حساب می آید و موضوع آن متن، گفتار، رویدادهای ارتباطی در قالب رشته‌های منسجمی از عبارت و جمله و منظره تعریف می شود. می توان از اهداف تحلیل گفتمان به مشخص کردن افسانه‌های جامعه اشاره کرد که به منزله واقعیتهای عینی در گفتار و کردار وجود دارند.

نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی در زندگی سیاسی می پردازد. این نظریه روشی را که نظام های معنایی گفتمان‌ها طرز آگاهی یافتن مردم از نقش هایشان در جامعه را شکل می دهد مورد بررسی قرار می دهد و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می پردازد. نظریه گفتمان از علوم تعبیری مانند: پدیدارشناسی، شالوده‌شکنی، هرمنوتیک و ساختگرایی الهام می گیرد. (دالمیر و مک کارتی: 1977).

مبانی نظری

نظریه گفتمان الکلاو و موفه:

این دو اندیشمند نظریه خود را با تلفیق دو سنت نظری یعنی: مارکسیسم و ساختارگرایی ساختند. مارکسیسم نقطه شروعی برای اندیشیدن راجع به امر اجتماعی در اختیار آنها قرار داد و ساختارگرایی نظریه ای درباره معنا. براساس این نظریه کل حوزه اجتماعی شبکه‌ای از فرایندها به شمار می آمدند که معنا در آن خلق می شد. لاکلاو و موفه با دو مفهوم «گفتمان» و «میدان گفتمانی» کار میکنند. «گفتمان» به تثبیت نسبی معنا اشاره می کند اما تعیین مصداق برای «میدان گفتمان» کمی دشوار است. میدان گفتمان به مازاد معنا اشاره دارد. از نظر لاکلاو و موفه، فرآیندهای سیاسی بیشترین اهمیت را دارند: سیاست اولویت دارد. (LACLAU.1390: 33). در نظریه گفتمان لاکلاو

مفاهیم و مؤلفه های نظریه گفتمان لاکلاو و موفه: با توجه به نظریه این دو اندیشمند، یک نظریه گفتمانی به بیان مفاهیم کلیدی و سازنده آن نیاز دارد و برای توضیح نظریه خود از مفاهیم متفاوت و پیچیده‌ای استفاده کرده‌اند.

دال و مدلول: که نقش کلیدی در این نظریه را دارد ودال: اشخاص، مفاهیم یا عبارات انتزاعی یا حقیقی هستند که در هر چارچوب گفتمانی مفهومی خاص را می‌رساند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، «مدلول» گفته می‌شود که با دیدن آن دال مورد نظرمان را پیدا می‌کنیم (IBID"2002: 140)

گفتمان: کلیت ساختاردهی‌شده که نتیجه مفصل بندی است و در واقع مجموعه‌ای از معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، معنا و هویت پیدا می‌کنند. گفتمان‌ها در حقیقت فهم ما از جهان و واقعیت را به تصویر می‌کشند پس، معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و درحقیقت نسبی است. (107_102: HOWARTH"2000). لاکلاو و موفه رفتار و موضوعات را گفتمانی می‌دانند. برای اینکه فعالیت‌ها فهمیدنی باشند باید به عنوان جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر تحلیل شود.

ضدیت و غیریت: به جرأت میتوان گفت بدون درک این موضوع، درک و فهم این نظریه غیر ممکن است. چرا که گفتمان‌ها اصولاً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر بوجود می‌آیند، روز در تعارض شب قابل درک است پس هویت روز وابسته به شب است و برعکس.

ساختار شکنی: معنای این مفهوم ذیل هژمونی قابل فهم است. هژمونی باعث نزدیکی یک دال به مدلول خاص میشود که در نهایت معنای آن نشانه را تثبیت می‌کند. اما هدف از ساختار شکنی در واقع از بین بردن این ثبات معناست و همچنین شکستن هژمونی گفتمان رقیب که در نهایت باعث از بین رفتن هژمونی آن گفتمان میشود و دال مجدد تعریف میشود و معنای جدید میگیرد.

سلطه: در تحلیل گفتمان، تلاش برای سلطه به وسیله طرح‌های سیاسی بسیار مهم است یعنی: اقدامات سلطه آمیز برای فرآیندهای سیاسی نقش محوری دارند و فرآیندهای سیاسی برای شکل گیری، کارکرد و فروپاشی گفتمان‌ها حائز اهمیتند. در واقع زمانی می‌توان گفت سلطه و تسلط وجود دارد که طرح با قدرتی سیاسی در ساختار اجتماعی خاص تعیین کننده مقرارتی خاص است.

گفتمان و مفصلبندی:

هر کار خاصی که بین عنصرهای پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار کند به طوری که هویت این عناصر اصالح و تعدیل شود، «مفصلبندی» گفته می‌شود معنای بعضی نشانه‌ها از طریق مفصلبندی گاهی طوری رایج و مرسوم می‌شود که از نظر ما کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد از دیدگاه لاکلاو و موفه، تعریف مفصلبندی و گفتمان به هم وابسته اند: «ما هر عملی را که منجر به برقراری ارتباط بین عناصر شود، طوریکه هویتشان در نتیجه عمل مفصلبندی تعریف شود، مفصلبندی می‌گوییم». (105: 1985 MOUFFE & LACLAU).

ادبیات پایداری:

ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مانند اختناق، استبداد داخلی، جنگ و سرکوب آزادیهای اجتماعی، ظلم و ستم حکومت و طبقه قدرتمند و قانون ستیزی و قانون گریزی و.... به وجود می‌آید و درون مایه‌اش ایستادگی و مقاومت در برابر جریان‌های ضدآزادی و مبارزه بر علیه ظلم و ستم و بیداد و نابرابری‌های اجتماعی است، معرفی میشود. بیان دردمندی قشر ضعیف اجتماع که قربانی نظام استبدادی و ستمگر شده اند، القای امید به ایستادگی برای رهایی و استقلال، ستایش و سپاس از مبارزین و چنانخستگان راه آزادی و نوید دادن پیروزی در آینده از جمله مضمون‌های مشترک در آثاری است که در دسته ادبیات پایداری قرار می‌گیرند. از جمله نگرانی‌های نویسندگان این دسته از آثار بی هویت شدن نسلی است که منفعت طلبی و رفاه او را از توجه به رنج‌های مردم بازداشته است و یا با افتادن این فکر در اذهان که مبارزه با قدرت برتر امری محال و بیهوده است و پذیرش ظلم تنها راه بقاست. نویسندگان با دفاع از وطن و طرح نمادهای اسطوره‌ای برای بهتر شدن وضع کشور، تلاش می‌کنند. ادبیات پایداری هم در قالب شعر و نثر موجود است و محدودیتی از این جهت ندارد.

گفتمان پایداری:

با در نظر گرفتن این اصل از نظریه گفتمان که گفتمان فضایی بزرگتر از زبان است و چگونگی کاربرد زبان را مشخص میکند میتوان اینگونه نتیجه گیری کرد: «ادبیات پایداری در وراقع نتیجه گفتمانی پایداری است و همین گفتمان پایداری زبان و محتوا و جهت ادبیات پایداری را مشخص میکند. دال پایداری به جهت غنای مفهومیاش توانسته بسترهای گفتمانی مختلف و مدلول‌های گوناگونی را به خود اختصاص بدهد گرچه برای درک و فهم بیشتر سیاسی این اصطلاح بیشتر مربوط به ادبیات مشروطه است. (صرفی، 1393: 207). پایداری در واقع برابر با همان «مقاومت» در ادبیات عرب است که به ادبیات جهان راه پیدا کرد. البته پایداری و مقاومت مفهومی است که به پدیده‌های مختلف تعلق می‌گیرد و به آن‌ها رنگ و بو و سایه روشنهای معنایی میدهد. گاهی در زمینه سیاست جلوه‌گر میشود و گاهی در مسائل اجتماعی و فرهنگی دیده میشود.

ناگفته نماند که در عمق اصطلاح پایداری نوعی اعتراض دیده می‌شود و عنصر بنیادین در این مفهوم نفی است. یعنی شاعر یا نویسنده قبل از هر چیز در مقام نفی است یعنی ساده بگوییم: یعنی به چیزی نه می‌گوید چون این نه در زمینه‌های مختلفی میتواند باشد برای ادبیات پایداری می‌توان سطوح مختلفی در نظر گرفت. در درجه اول نه به واقعیت موجود یعنی همان طبیعت و جامعه‌ای که هنرمند را احاطه کرده گفته می‌شود که بنابر دلایل موجه مطلوب

شاعر یا هنرمند نیست و معترض به آن است. در مرحله دوم مفهوم هر نوع انحراف، بیعدالتی و آلودگی اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، مذهبی و... است که شاعر اطراف خود شاهد آن است و مورد پسندش نیست و در نهایت نفی و اعتراض به استبداد داخلی و عوارض آن (چهرقانی، 1396: 3). در واقع میتوان گفت ادبیات پایداری نوعی ایستادگی در برابر همه چیزهایی است که آدمی آن را نمیپسندد و میخواهد از زندگی خود حذف کند. این تعریف پایداری به مبارزه و درگیری به شکل‌های مختلف زبانی فکری و گاه مسلحانه نیازمند است. خلاصه اینکه نظریه گفتمان با وجود نو بودن ریشه در سنت‌های نظری گذشته دارد و با تکیه بر نگرش نویسندگان مارکسیستی مانند لونی آلتوسر و همچنین با فرضیه‌های ارائه شده پسامدرنیستی مانند میشل فوکو، صورت‌بندیهای مفصل‌بندی و منطق را به هم گره میزند و به بررسی راه‌هایی که میپردازد که صورت‌بندی این نظریه‌ها را در جامعه امکانپذیر می‌کند. در گفتمان بیشتر به بسط و شرح مفاهیم نظری توجه شده است. فرکالف از مفهوم گفتمان به سه معنای متفاوت استفاده میکند. گفتمان در انتزاعی‌ترین حالت خود به کاربرد زبان به مثابه پراکتیس اجتماعی اشاره میکند. این جمله که «گفتمان هم سازنده است و هم محصول سایر پدیده‌ها» در معنای دوم گفتمانی نوعی کاربرد زبان در یک حوزه است مانند: گفتمان علمی یا گفتمان اجتماعی و سوم عمدتاً در موارد انضمامی به کار برده می‌شود گفتمان اسمی قابل شمارش است (آن گفتمانها، یک گفتمان، و...) (که به روش سخن گفتنی اتالق میشود که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص معنا میدهد. در این معنا گفتمان به هر گفتمانی اشاره می‌کند که قابل تفکیک از دیگر گفتمانها باشد مانند: گفتمان سیاسی، گفتمان مارکسیستی، گفتمان اجتماعی و...) (FAIRCLOUGH 1995: 135: 135).

گفتمان پایداری در اشعار مهرداد اوستا:

پدیده اجتماعی «اعتراضات موجود در اشعار مهرداد اوستا در رویارویی با هژمونی شبکه معنایی گفتمان استیالی وقت ذیل چارچوب نظری و شبکه فضایی گفتمان پایداری و مقاومت قابل بررسی است. الزامات و اقتضات تاریخی اجتماعی و فرهنگی میتواند نوع خاصی از گفتمان را حاکم کند چرا که ارتباط گفتمان با واقعیت ارتباطی دیالکتیکی است. با توجه به تاریخ سیاسی زمان اوستا بویژه زمان انقلاب 4 خورده گفتمان بدین گونه است:

خورده گفتمان سیاسی_ اجتماعی: که متکی بر دو موضوع سیاست و اجتماع است. کارگزاران گفتمان سیاسی اجتماعی شاه، امام، مردم، وطن و خود شاعر هستند که که همگی آینده خود را در گرو آزادی می‌دانند. در این رویکرد درک خاصی از آزادی بر مردم روشن میشود.

گفتمان آیین مدحی: موضوع اصلی قصاید سنتی مدح بود و دیگر موضوعات در حاشیه بود هر چند مدح و انواه آن و نیات شاعران در مدیحه‌ها متفاوت بود و در اشعار مهرداد مدح، کمتر موضوعیت دارد و اگر کسی او را مدح گفته به دلیل ستایش علم و هنر و دیانت اوست

نه ستایش قرتی به طمع مادی. در اشعار مهرداد وطن در مرکز توجه قرار دارد اعتراضات شاعر وطن دوستی مانند مهرداد به دلیل بیتوجهی درباریان به وطن و حفظ امنیت و آسایش آن است. مدیحه‌های مذهبی و اعتقادی: قسمتی از مدیحه‌های اوستا صیغه دینی و اعتقادی دارند. اوستا اعتقادات مذهبی عمیقی داشت که انعکاس آن را در در اشعاری نظیر «افرین بر محمد» میتوان به وضوح احساس کرد.

گفتمان عاشقانه: موضوع اصلی قصاید اصیل سنتی، مدح موضوعات فخیم و پرهیمنه مانند مفاخر بود و روح حماسی بر آنها غلبه داشت. هرچند زبان غیر از غزل های مهرداد اوستا قصاید او همان زبان قصاید کهن سبک خراسانی با واژگان مطمئن و نحو ویژه است، اما محتوا و معنا و حال و هوای اکثر قصاید اوستا با قدما متفاوت است. به‌طور کلی میتوان گفت که روح غالب بر بسیاری از قصاید اوستا روح تغزلی است. محتوای قصیده تغزلی و مخاطب آن معشوق است و زبان نرم و تغزلی آن با محتوای آن تناسب دارد هر چند که تناسب این واژگان نرم و تغزلی با وزن شعر کمتر است.

گفتمان سیاسی-اجتماعی: اوستا از زمانی که 25 سال داشت به تدریس در دانشگاه تهران در رشته های گوناگون علوم انسانی پرداخت. وی اشعاری در مخالفت با رژیم پهلوی سرود و مدتی به عنوان زندانی سیاسی در زندان و در دهه 50 مدتی ممنوع‌القول بود. شعر مهرداد در عین استواری، روشن و واضح و راحت‌الفهم است و حال و هوایی دردمندانه دارد. وی همچنین توجه ویژه ای به انسان های هم عصر خود و دردنیای آنها دارد و از معدود شاعرانی است که بعد از مشروطه به سراغ چنین مضامینی رفته و به این موضوعات پرداخته است:

«بهاری نیست، مهری نیست، شوری، آرزویی نیست

که در این دیولاخ درد، گلشنه‌است گلخنه‌ها

ز هر سو دام تزویری، به هر ره تیغ بیدادی

نهادستند نامردم، گرفتستند رهن ها...

از مضامینی که اوستا در شعر خود به کار برده است میتوان به مضامین اجتماعی، سیاسی، وطنی، اساطیری و حماسی و پایداری اشاره کرد که در این میان مضامین سیاسی و اجتماعی سهم بسیاری را به خود اختصاص داده است

یا به کردار یکی ناله سرگردان

میسپارم ره این گمشده پیدا من

باز وا پس نگرم خسته و فرسوده

سایه‌های بینم، همراه شده با من...

مهرداد اوستا روحیه ای آزادیخواه و مبارز داشت و در زمان شاه، مردم را به مبارزه علیه رژیم ستم شاهی دعوت میکرد، در آثار خود نیز به حمایت از امام خمینی و انقلاب می‌پرداخت. برخی از آثار وی به دلیل مسائل سیاسی، اعتراضات و حمایت از امام خمینی توقیف شدند. از جمله آنها میتوان به کتاب «تیرانا» اشاره کرد که انتشار آن در فضای روشنفکری آن روزگار که مهرداد اوستا را چهرهای ویژه به حساب می‌آورد، نشان از جرأت او داشت. وی خطاب به اطرافیان شاه چنین میسراید:

مگر این هرزه هرچیز به فرد

مگر این گرک حریص

مگر این دیو، چه گویم؟ این دزد

گر خدا نیست شما بی همه چیزان را چیست؟

خشم و نفرت اوستا که ناشی از ظلم و ستم حاکمی در جامعه بر مردم است مانند جهنمی برای اوستا شده که او را می‌سوزاند و درد ناشی از این خشم کوهی است که سراسر وجود او را سنگین کرده است و تحملش سخت شده است.

سزد گر تو ای شاه عبرت نگیری

چنین تا به گرداب غفلت اسیری

در این موج خیز حباب است کشتی

فنا را اگر بخردی ناگزیری

(گزیده ادبیات معاصر، اوستا، 47)

اوستا با آنکه بیشتر متمایل به قصیده سرایی بود اما در دیگر زمینه‌ها نیز اشعار نابی سروده است که در آن روزگار او را بزرگترین قصیده سرای معاصر ملک الشعراى بهار میدانستند. او با مطرح کردن دردها، نیازها و رنج‌های مردم به صورت قصیده جانی تازه در این قالب داد و با در آمیختن غزل و قصیده توانست قالب نوین غزل_قصیده را به وجود آورد.

خشمی است نهان به سینه چون دوزخ

دردی است، گران به دوش همچون کوه

در ناله و ناله من: ای افسوس

در شکوه و شکوه من: ای اندوه

(شراب ترس محتسب خورده، 65)

با نگاهی به اشعار اوستا در بالا متوجه می شویم که بیشترین بسامد را واژه‌های آه، ناله، درد، فریاد و خون و شب دارند.

گفتمان آیینی_مدحی: موضوع اصلی قصاید سنتی، مدح بود و دیگر موضوعات در حاشیه آن قرار داشت. هر چند مدح و انواع آن و نیات شاعران در مدیحه‌ها متفاوت بود اما به هر حال، مدح یک ژانر بود. در قصاید اوستا مدح، کمتر موضوعیت دارد و اگر کسی را مدح گفته، به دلیل ستایش علم و هنر و درایت و دیانت اوست، نه ستایش صاحب قدرتی به طمع مادی. همانطور که خود چنین سروده:

بامید کس نیالود تو را دامان قدس

گر ستودستم هنرور را ستودن در هنر

اینت از من بندگانای ای چامی غرای من

آمدی عشق را بایست فتوای من

(شراب خانگی ترس محتسب خورده، اوستا: 92)

در بین سروده‌های وی چند قصیده در وصف و مدح امام خمینی است و حتی برخی از قصاید در دوره پیش از انقلاب سروده شده است و همین امر می‌تواند حاکی از خلوص نیت و و صداقت وی در مدح امام خمینی باشد.

باز نه دیده خفت و نه اندیشه آرמיד

آن بامداد پردگی شب که از افق

و آن آفتاب دانس و انصاف و مردمی

نی زان امیر قافله شب خبر رسید

سر بر زد و به پرده شب گشت ناپدید

در شهر بند فتنه اهریمنی چه دید

(امام حماسه‌های دیگر، اوستا: 491)

بخشی از مدیحه‌های مهرداد صبغه دینی و مذهبی دارند. مهرداد اوستا اعتقادات مذهبی عمیقی داشت که انعکاس آن را می‌توان در اشعاری مانند: «آفرین محمد» دید. قصیده ارجمند آفرین محمد در حمد و ستایش حضرت محمد(ص) است که با روحی اجتماعی و تعهد دینی درهم عجین شده اند. این شعر از دسته اشعار برگزیده‌های است که در آغاز پانزدهمین قرن بعثت، سروده شده است. (ر.ک: چون موج همه آ، محمودی: 435).

از مهم ترین طبقات هویت های مذهبی، سیاسی مرتبط با گفتمان شریعت مدار حاکم در سروده‌های مهرداد اوستا می‌توان به چند دسته اشاره کرد:

طبقه دینی که شامل امامان، ائمه اطهار و بزرگان دینی مانند: امام زمان، امام حسین و امام خمینی

*طبقه سیاسی شامل: اما خمینی، محمدرضاشاه، و شاهان پهلوی

باتوجه به اشعار مهرداد اوستا و مشخص نمودن دال‌های ارزشی هر طبقه، ویژگی هویتشان استخراج شده است که به شرح زیر است:

نشان دادن طبقه سیاسی _ اجتماعی:

حاکم به عنوان دال مرکزی دال‌های ارزشی ای به آن نسبت داده شده

*1 دال ارزشی ظالم: مدلول: اهل زورگویی و اجبار

2 دال ارزشی ظلم مدلول: رفتاری بی رحمانه و حاوی ظلم

3 دال ارزشی فساد: مدلول: این گروه عمال بی دین هستند

4 دال ارزشی مستبد: مدلول: گرایش‌های اقتدارگرایانه دارند

مهرداد اوستا الگوی حکمرانی عصر خود را قبول ندارد و حاکم زمان خود را هیچ وقت ستایش نمی‌کند. محمدرضا شاه پهلوی حاکم زمان وی حاکمی بی رحم و مستبد و ریاکار بود که اوستا در اشعارش از او بیشتر باعنوان دزد نام برده است. _ شاه عصر، زبانی دارد اقتدارگرا، محدودیت ساز و تهدید کننده. با توجه به اشعار اوستا هیچ نشانه ای از دینداری و مذهبی بودن شاه وجود ندارد گر چه مدعی دین هستند.. در کل مبارزات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از مجموعه از پیش فرصها و پشتوانه های نظر برخوردار است که باعث ایجاد نظام معنایی آن است اوستا تمام مبارزات فرهنگی سیاسی خود را در تداوم گفتمان پایداری و در قالب ادبیات پایداری نشان می دهد که برای درک و فهم این مهم بررسی ویژگی های گفتمان پایداری و به طبع ادبیات پایداری الزامی است توانایی بی مثال این شاعر در انتخاب کلمات و توانایی بیشتر او در نشان دادن آن ها در کنار هم به کالم او موسیقی و موجی میدهد که هیچ یک از گویندگان دیده نمی شود.

نتیجه گیری

در این پژوهش با توجه به روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه متوجه شدیم که تلاش گفتمانی مهرداد اوستا برای نشان دادن گفتمان استعلایی زمان خود پایداری و مقاومت در برابر نظام معنایی آن با هدف مشروعیت زدایی و غیریت سازی در مبحث گفتمان پایداری قابل بررسی است. تلاش بر این بود که بدانیم اساسا نظام‌های گفتمانی موجود در اشعار مهرداد اوستا کدامند و چه رابطه ای با گفتمان پایداری دارد و مشخص کردیم 4 خورده گفتمان سیاسی_ اجتماعی، آیینی_ مدحی، مذهبی_ اعتقادی و عاشقانه در قصاید وی موجود است. این پژوهش این مسئله را

ثابت میکند که مبارزات فرهنگی_سیاسی اوستا در تداوم گفتمان ریشه داری به نام پایداری است که در قالب ادبیات پایداری مشاهده شده است.

منابع

- آژند، یعقوب (1364) ادبیات نوین ایران، تهران، امیرکبیر
- آقاگل زاده، فردوس (1385) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی فرهنگی
- اوستا، مهرداد (1339) از کاروان رفته، تهران، کتابفروشی زوار
- اوستا، مهرداد، (1369) امام حماسه ای دیگر، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
- اوستا، مهرداد (1377) مجموعه رام، تهران، انتشارات فرهنگی رجاء، چاپ اول
- اوستا، مهرداد (1387) گزیده ادبیات معاصر، تهران، نیستان، چاپ اول
- اوستا مهرداد (1389) شراب خانگیترس محتسب خوزده، تهران، مؤسسه انجمن قلم
- ترابی، ضاءالدین (1389) آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس
- تاجیک، محمدرضا (1379) گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان
- چهرقانی برچلویی، رضا (1396) ادبیات پایداری در ایران، بازشناسی مؤلفه ها، فرصت ها و چالشها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
- فرهنگی، سال 7، شماره 2
- سلطانی، علیاصغر (1400) قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی، چ 7
- سلطانی، علیاصغر (1383) تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی، س 7، ش 28، صص 153_180
- فرکالف، نورمن (1379) تحلیل انتقادی گفتمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- مک دائل، دایان (1380) مقدمه های بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسینعلی نودری، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان
- میلز، سارا (1399) گفتمان، ترجمه نرگس حسینی، تهران، هزاره سوم اندیشه

یورگنس، فلیپس (1392) نظریه و روش تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چ 2، تهران، نگاه

هایلند، کن (1399) تحلیل گفتمان روش و حوزه‌ها، تهران، سمت

HOWARTH”D”A.G.NOARVAL& Y.STAVRAKAKIS.(2000). DISCOURSE
THEORY AND POLITICAL ANALYSIS:

IDENTITIES”HEGMONIES AND SOCIAL CHANGE.MANCHESTER
UNIVERSITY PRESS